

# آمریکا در باغچه خانه اروپائیان!

اروپائیان که از ماجرای بوسنی و ابتکار عمل آمریکا در بیخ گوش کشورهای اروپائی شرمنداند به طرحهای نظامی برای کسب اقتدار بیشتر تسلیحاتی روی آورده‌اند.

رهبران کشورهای اروپائی ناگهان متوجه شدند که در دوران پس از جنگ سرد بازوئی توانا و اندیشه و طرحی جامع برای حل مسائل امنیتی جهان در اختیار ندارند. واقعیت زمانی برایشان آشکار شد که در باغچه منزلشان، و نه دورتر، یعنی بوسنی که بخشی از خاک اروپا است، آمریکائیان در کنفرانس دیتون رهبران متخصص بالکان را به دور یک میز نشاندند و طرحی برای صلح در این شبه جزیره ارائه دادند و اروپائیان تنها به عنوان ناظری بر تصمیمات آمریکائیان باقی ماندند. آنها نه ارتشی اروپائی در اختیار دارند، نه ناوگان نیرومند هوائی و دریائی و نه ماهواره‌های حساس جاسوسی، و در مجموع از یک فرماندهی مشترک نظامی، نظیر فرماندهی پیمان آتلانتیک شمالی هم بی‌بهره‌اند.

ماجرای بوسنی و نقش مستقیم آمریکا در استقرار صلح در بالکان ناگهان چرت اروپائیان را پاره کرد. گرچه اتحادیه اروپا از بلند پروازی کافی برای ایجاد سیاستهای مشترک خارجی و امنیتی برخوردار است، ولی در این مسیر بسیار کند گام برمی‌دارد و در مقایسه با حجم و گستردگی نیروهای ناتو راهی طولانی در ایجاد فرماندهی اروپائی، و یک ساختار مطمئن نظامی، که بتواند بدون مشارکت ناتو و آمریکائیان در نقاط بحران زده جهان وارد عمل شود، در پیش دارد. طرحهایی برای ایجاد یک ساختار هم بسته بین ده کشور اروپای غربی و بر پا ساختن «ستون اروپائی» در متن پیمان آتلانتیک شمالی، ماه گذشته در کنفرانس سران اروپا به بحث گذاشته شد. در این کنفرانس هملوت کوهل صدر اعظم آلمان و ژاک شیراک رئیس جمهوری فرانسه اعلام کردند که تشکیل یک فرماندهی مشترک و هم بسته اروپائی-با شرکت اعضای اتحادیه اروپا-که قادر باشد به سرعت در نقاط بحرانی جهان وارد عمل شود، ترتیبات امنیتی جهان را که اینک آمریکا فاعل مایشاء آن است وارد دوره‌ای جدید از تاریخ اروپا خواهد کرد. چنین اظهار نظری به سادگی تحقق‌پذیر نیست و اروپائیان به خوبی می‌دانند برای تحقق آن باید یک سلسله اقدامات سریع تکنولوژیک را در زمینه تسلیحات آغاز کنند و لامحاله با ایالات متحده به دورانی از رقابت تسلیحاتی وارد شوند که از نظر سیاسی عواقب نامعلوم دارد و از نظر اقتصادی چنان فشاری بر اروپا وارد خواهد کرد که

شاید تحمل آن برای همه اعضای اتحادیه اروپا ممکن نباشد.

طرح ایجاد فرماندهی مشترک اروپائی از نخستین مراحل اجرای آن با عنصری پیچیده‌ای که ناشی از شرایط موجود و روابط جاری میان اروپا و آمریکا است، روبرو خواهد بود: منابع صنعتی پرآورد می‌کنند که در حال حاضر آمریکائیان سی و پنج درصد از نیازهای تسلیحاتی و دفاعی اروپا را تأمین می‌کنند و هدف آنها برای سالهای آتی مشارکت دادن بیشتر اروپائیان در بازار جهانی اسلحه است. در یک پژوهش بوسیله کمیسیون اروپائی در بروکسل هشدار داده شده است که حجم تولید ده شرکت بزرگ سازنده سلاح در آمریکا دو برابر تولید مجموعه ده کشور اتحادیه اروپا است. این شرکتها بسیار سریعتر از اروپائیان قادر به تولید سلاح هستند و اقتصادی‌تر از همه اسلحه‌سازان جهان نیز عمل می‌کنند. علاوه بر این، در شرایط کنونی که ارزش دلار در سطحی پائین قرار دارد تقاضای جهانی برای سلاح آمریکائی بسیار بالا است. در چنین شرایطی آیا اروپائیان قادر به یک اقدام رقابتی با ایالات متحده هستند؟ تجربه نشان داده که پاسخ به این سؤال منفی است. اروپائیان در بهترین شرایط اقتصادی که در سی سال گذشته داشته‌اند درباره روابط آشتی‌جویانه و همکاری با آمریکا و رقابت مسالمت‌آمیز با این کشور بسیار سخن گفته‌اند ولی همواره به شیوه‌های قدیمی خود عمل کرده و تاریخ غنی خود را به رخ رقیب ابرقدرت خود کشیده‌اند، در حالی که سهمی چندان چشمگیر از بازارهای جهانی و هزینه‌های نظامی نداشته‌اند. امروز که متوجه شده‌اند هیچیک به تنهایی قادر به رقابت تسلیحاتی با آمریکا نیستند، تصمیم دارند دسته جمعی وارد میدان رقابت شوند. مانفرد بیسهورف رئیس بخش فضا-هوائی شرکت مرسدس بنز آلمان که بزرگترین سازنده سلاح در این کشور است می‌گوید: «امروز ما خود را از نظر تسلیحاتی عقب افتاده احساس می‌کنیم و لذا لازم است از طریق همکاری، پایه‌های صنایع و تکنولوژی خود را در عصر نوین تکنولوژیک از نو بنا کنیم. در غیر اینصورت با خطر حذف از بازار روبرو خواهیم بود و آمریکائیان که بازارهایشان را به روی ما بسته‌اند، همه بازارهای جهانی را به انحصار خود در خواهند آورد.»

بیسهورف که شرکتش در سال ۱۹۹۵ یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار ضرر متحمل شد به آرامی با همتهای فرانسوی و انگلیسی خود و همچنین مقامات نظامی این کشورها در حال گفتگو است تا سه کشور

آلمان، انگلیس و فرانسه را راضی کند هفتاد و پنج درصد از کل تولید صنایع نظامی اروپا را به عهده گیرند.

## برنامه‌های آتی اروپائیان

دیک اوایز رئیس شرکت فضا-هوائی انگلستان می‌گوید: «ما در آستانه گشایش فصلی جدید در تاریخ دفاعی اروپا هستیم.» این شرکت انگلیسی در سال گذشته چهارصد و نود و پنج میلیون دلار سود داشت که نسبت به سال ۱۹۹۴ حدود ۹۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. شرکت فضا-هوائی انگلستان که چهار سال پیش تا مرز ورشکستگی پیش رفت در سال ۱۹۸۸ تعداد کارگران خود را به یکصد و سی و سه هزار نفر کاهش داد و امروز در میان رقیبان اروپائی شرکتی موفق است. ایوانز و سایر مقامات بالای صنعت در پایتخت‌های کشورهای اروپائی وعده می‌دهند که در چارچوب یک شبه تعاونی اروپائی با مشارکت اعضای اتحادیه اروپا، به زودی اقدام به تولید ماشین‌های پیشرفته جنگی، یک سیستم ماهواره‌های جاسوس، هواپیماهای حمل و نقل نظامی، کشتی‌های حامل موشکهای ضد هوائی و جنگنده‌های پیشرفته که همگی ساخت اروپا است، و با تکنولوژی اروپائی طراحی شده، خواهند کرد.

ارزش کل این سفارشها به بیست میلیارد دلار بالغ خواهد شد. هدف اصلی اروپائیان از چنین طرحی خلاص کردن خود از دام کنسرسیومهایی است که بطور سنتی در آن شرکت دارند؛ کنسرسیومهایی که نه کارائی لازم را دارند و نه اقتصادی هستند.

ایوانز می‌گوید: «از این پس ما به مکانیسمی برای همکاریهای آینده خود نیازمندیم که مقرون به صرفه باشد و تحت یک مدیریت واحد اداره شود. امیدواریم به زودی به این مکانیسم دست پیدا کنیم.» این مکانیسم به بیش از دو شکل نمی‌تواند وجود داشته باشد: یا به شیوه ادغام صنایع که در سالهای اخیر در آمریکا معمول شده، همه واحدهای تولیدی صنایع نظامی کشورهای اروپائی در هم ادغام و تشکیل یک غول تسلیحاتی را بدهند و یا باز چون مدل آمریکائی شرکت‌های بسیار بزرگ تولید سلاح با سرمایه‌های مشترک اروپائی تأسیس شود. در هر دو شکل، مدیریت واحد مشکلترین بخش این مکانیسم را تشکیل می‌دهد. برای ساخت فقط یک موشک دست کم ۷۵ شرکت و یا تعاونیهای تولیدی درگیر هستند که هر یک از آنها برای خود واحد تولیدی بزرگ و معتبری بشمار می‌رود و دارای مدیریت جداگانه است. اعمال مدیریت واحد بر این گروه از شرکتها شاید عملی باشد، ولی مشکل بتوان تصور کرد



**تندور**  
**TANDOR**

## پوشاک مردان امروز

ما به تجربه طولانی و نیز ابتکار و نوآوری

پرسنل متخصص و هنرمند خود متکی

هستیم. حاصل این اندوخته ارزشمند،

آمیزه ای است از یک پشتوانه کلاسیک

و یک نوآوری مدرن.

خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی، شماره ۷۵

تلفن: ۸۰۳۸۱۱۱ - ۸۰۳۳۰۶۴

اقتصادی

مدیریت‌های شرکت حاضر به پذیرفتن نظارت سازنده موشک باشند. مسئله‌ای حیرت‌آور که در اروپا اتفاق افتاده است چرخش غیرمنتظره انگلستان به سوی متحدان تسلیحاتی اروپایی است. انگلستان سالها است از بزرگترین مشتریان ابزار جنگی و تکنولوژی نظامی آمریکا است و گاه نیز در قالب فروشنده سلاح به آمریکا عمل می‌کند. در سالهای اخیر انگلستان تعدادی جنگنده‌های عمود روی «هارییر» به آمریکا فروخته است. با وجود چنین چرخشی انگلستان باز هم دودوزه‌بازی می‌کند:

سال گذشته انگلستان از خرید هلی‌کوپترهای فرانسوی-آلمانی خودداری کرد و سفارش ۶۷ فروند هلی‌کوپتر آپاچی ساخت شرکت مک دونالد داگلاس را به آمریکا داد و در مقابل ناراضیانی متحدان اروپایی خود گفت: «پول را بابت کیفیت می‌دهد». با این حال، در ماههای اخیر تمایل انگلستان به روی آوردن به بازار تسلیحاتی متحدان اروپایی خود بیش از گذشته به چشم می‌خورد.

دیپلماتها در لندن معتقد شده‌اند که پس از ناکامی اروپائیان در حل بحران بوسنی، و به دنبال بهبود روابط جان میجر محافظه کار با دو رهبر دیگر محافظه کار اروپا-یعنی شیراک و کوهل-باید توجه بیشتری به مستحکم‌تر کردن زیربنای دفاعی اروپا کرد و انگلستان باید سهم بیشتری در ارتقاء اقتدار نظامی اروپا به عهده گیرد. هفته گذشته یک کنسرسیوم بریتانیایی موافقت کرد برای تولید نوعی جنگنده اروپایی با سیستم موشک هدایت شونده یک میلیارد و دویست میلیون دلار سرمایه‌گذاری کند و برای صدور و فروش این هواپیماها نیز چند میلیارد دیگر در نظر بگیرد.

### پیوستن به آژانس تسلیحاتی

انگلستان زیر فشار آلمان و فرانسه و تهدید به اینکه چنانچه از خرید تولیدات اروپایی خودداری کند از مشارکت در طرحهای آینده کنار گذاشته خواهد شد زاویه چرخش به سوی متحدان اروپایی را گسترده‌تر می‌کند. یک مقام وزارت دفاع انگلستان اخیراً گفته است: «علیرغم بازار راگدی که بر اروپا حاکم است و با وجود روابط بسیار نزدیکی که با آمریکا داریم درک می‌کنیم باید به متحدان اروپایی خود نزدیک‌تر شویم». وزیر خارجه انگلستان نیز اخیراً در مجلس عوام این کشور گفته است: «ما معتقدیم که رهبران اروپایی در گفتار خود برای تقویت نیروی دفاعی اروپا جدی هستند. ما تأیید می‌کنیم که کشورهای اروپایی باید قادر باشند در صورت لزوم از امکانات خود، و نه دیگران استفاده کنند.»

در هفته‌های گذشته حکومت میجر مشارکت کامل خود در تولید نسل جدید سیستم دفاع هوایی را که قرار است به وسیله فرانسه و ایتالیا ساخته شود، و همچنین طرح ساخت نفربرهای زرهی آلمانی-فرانسوی اعلام کرد. انگلستان گفته که آماده است تا در طرحهای بسیار بزرگ تولید جنگنده اروپایی، هواپیماهای دور پرواز حمل و نقل نظامی، که جای مدلهای کهنه هواپیماهای هرکولس آمریکایی را خواهد گرفت، شرکت کند. انگلستان همچنین اعلام کرده است به آژانس تسلیحاتی فرانسه-آلمان واقع در بن خواهد پیوست. این آژانس هماهنگی فعالیتهای تسلیحاتی اروپا را مستقل از ناتو بعهده دارد و بر خریدهای تسلیحاتی، پژوهشهای تکنولوژی نظامی، استانداردها و تحقیقات توسعه نظارت می‌کند.

در واشنگتن حکومت کلیتون رویدادهای تسلیحاتی اروپا را با ترکیبی از احساسهای متفاوت ارزیابی می‌کند: از یکسو از اینکه اروپائیان خود را آماده می‌کنند تا مسئولیتهای بیشتری در قبال بحرانهای جهانی در چارچوب «ستون اروپایی» در متن ناتو به عهده گیرند خرسند هستند، و از سوی دیگر از اینکه اروپائیان، به خصوص فرانسه، همه امتیازهای تسلیحاتی اروپا را برای خود اروپا می‌خواهند احساسی ناخوشایند دارند.

آمریکائیهام متوجه این واقعیت هستند که در صورت پا گرفتن تولید تسلیحات پیشرفته در اروپا بازار اروپایی اسلحه خود را از دست خواهند داد و رشد تولید کالاهای دفاعی به تدریج صادرات آمریکا به قاره اروپا را کاهش می‌دهد. با اینحال آمریکائیهام معتقدند تا دوره آغاز رقابت جدی اروپائیان با آمریکا در زمینه تولید و بازاریابی سلاح، راهی طولانی در پیش است.

□ مأخذ: مجله تايم ۲۰ مه ۱۹۹۶

برگردان از سرویس ترجمه «گزارش»